

## بارش‌های تازه با مسائل آب اصفهان چه خواهد کرد؟

# گاوخونی تشنه حقایق

**عاطفه علیان:** تالابی که سال ۱۳۵۳ به فهرست تالاب‌های ارزشمند کنوانسیون رامسر ملحق شد تا در چارچوب این کنوانسیون مورد حفاظت و حمایت قرار گیرد اما از اواسط دهه ۷۰ خورشیدی با مدیریت ناکارآمد منابع آب به‌سوی خشکی محیط رفت و از دهه ۸۰ تاکنون تقریباً به‌طورکامل خشکانده شده است؛ گاوخونی در دهه ۹۰ خورشیدی اما با مصوبات شورای عالی آب و شورای هماهنگی مدیریت به‌هم‌پیوسته حوضه آبریز زاینده‌رود حقایب‌های معادل ۱۷۶ میلیون متر مکعب برای این تالاب تعیین و مصوب شد. حقایب‌های حداقلی که آن‌هم فقط روی کاغذ وجود دارد و هیچ‌گاه حتی در ترسالی‌ها نیز تأمین نشده است. آمار بارش‌های سال زراعی جاری در حوضه زاینده‌رود نیز حاکی از آن است که میزان بارش‌ها از میانگین درازمدت در بازه زمانی مشابه، فراتر رفته اما تاکنون به مطالبه رهاسازی حقایق تالاب بین‌المللی گاوخونی از سوی مردم و فعالان محیط زیست استان اصفهان پاسخی داده نشده است. سرنوش‌ت این تالاب و حقایق آن اما چه می‌شود و آیا راهی برای زندگی دوباره آن فراهم می‌شود؟

**درویش: خشک‌سالی مصنوعی در پایین دست زاینده‌رود ساختند**
در همین رابطه محمد درویش، فعال محیط زیست، با یادآوری اینکه در زمستان برداشت و پمپاژی در بالادست زاینده‌رود صورت نمی‌گیرد و بهانه‌های برای عدم تأمین حقایق محیط زیست در این فصل وجود ندارد، به «شرق» می‌گوید: متأسفانه مدیریت آب حاکم بر استان اصفهان درواقع حجم آب ورودی به سد مازاد بر نیاز شرب را پیش‌فروش کرده است و آن را برای مشتریان ثروتمندی نظیر صنایع نگه می‌دارد و نتیجه این شیوه مدیریت، ایجاد خشک‌سالی مصنوعی در پایین‌دست حوضه زاینده‌رود بوده است؛ درحالی‌که بنا بر مصوبات موجود پس از تأمین آب شرب باید تأمین حقایق محیط زیست تالاب گاوخونی که حدود ۱۸۰ میلیون مترمکعب است، در اولویت قرار گیرد. او خودداری از رعایت این اولویت را یک تخلف بزرگ می‌داند و معتقد است فعالان محیط زیست استان اصفهان باید از طریق مراجع قضایی و نمایندگان مجلس پیگیری این تخلفات باشند و نباید منتفعانه در این زمینه عمل کنند. درویش ضمن تأیید این دیدگاه که زاینده‌رود پیش از آنکه قربانی خشک‌سالی و تغییر اقلیم باشد، قربانی شیوه مدیریت وزارت نیرو بود است ادامه می‌دهد:

برای وزارت نیرو تاب‌آوری زاینده‌رود اهمیتی ندارد و این وزارتخانه به درآمدهای خود فکر می‌کند. این فعالان محیط زیست در پاسخ به پرسش خبرنگار «شرق» دربارۀ علت رعایت‌نشدن اولویت‌های تخصیص آب در کشور، می‌گوید: سازمان محیط زیست از اقتدار لازم برای اجرای قانون برخوردار نیست و به وظایف خود به‌درستی عمل نمی‌کند. درویش با اشاره به ناموفق‌بودن طرح‌های توسعه اشتغال جایگزین کشاورزی به عنوان گزینه‌ای برای تأمین حقایق محیط زیست ادامه می‌دهد: همواره محیط زیست در پای مصלحت‌های اقتصادی و اجتماعی ذبح شده است و تنها نمونه جدی به‌کارگیری این گزینه، طرح نکاشت در حوضه آبریز دریاچه ارومیه بود که آن هم با مقاومت‌هایی که از سوی ذی‌نفعان صورت گرفت نخست به طرح بکاشت تبدیل شد و نهایتاً نیز در نیل به اهداف تعیین‌شده ناموفق بود. درویش با اشاره به قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ به‌عنوان یکی



محیط زیست هنوز به مرحله تصمیم‌گیری نرسیده‌ایم و به این منظور باید وضعیت منابع سد زاینده‌رود برای شش ماه آینده از منظر امنیت آب شرب بررسی شود و بر این اساس متخلفان باید مجازات شوند و از آنجا که قطع متناوب جریان زاینده‌رود و تخلفات در ارتباط با رعایت اولویت‌بخشی به حقایق محیط زیست خسارات جبران‌ناپذیری برای محیط زیست دارد، باید به استناد این قانون و دیگر قوانین مربوطه سازمان حفاظت محیط زیست اقدامات لازم را برای جلوگیری از عادی‌سازی این‌گونه تخلفات انجام دهد.

درویش می‌گوید ما درباره حقایق محیط زیست کمبود قانون نداریم، آنچه نیست از راه‌آاده اجرای قانون است و قانون وقتی اجرا می‌شود که مطالبه‌گری وجود داشته باشد؛برای مثال اگر اعتراضات مردم اصفهان در بستر خشکیده زاینده‌رود نبود، ممکن بود حتی شاهد رهاسازی کوتاه‌مدت آب در بستر رودخانه هم نمی‌بودیم. درویش در توضیح علت تقلیل مطالبات عمومی مردم به مطالبات صنفی می‌گوید دلیل این تقلیل آن است که مسئولان نمی‌خواهند هزینه توجه به مطالبات عمومی را بپردازند و تحمل این هزینه برایشان سخت است و از این جهت ترجیح می‌دهند ماجرا را لوث کنند؛ چراکه اگر در یک نقطه مطالبات زیست‌محیطی مردم با موفقیت روبه‌رو شود، در سایر نقاط و حوضه‌های آبریز کشور نیز مردم نسبت به حقوق خود هوشار می‌شوند و تشکیلاتی که حقایق محیط زیست را فروخته است، بخشی از درآمدهای خود را از دست می‌دهد.

**محیط زیست برای استانداری اصفهان اولویت است اما در نهایت مسئول تخصیص حقایق محیط زیست وزارت نیرو است**

در ارتباط با علت عدم رهاسازی حقایق محیط زیست رودخانه زاینده‌رود و تالاب گاوخونی، سجاد انشاری، پژوهشگر مدیریت منابع آب و همکار در پروژه احیای زاینده‌رود هم به «شرق» می‌گوید: درخصوص رهاسازی آب در رودخانه زاینده‌رود در کارگروه سازگاری با کم‌آبی و با مشارکت همه ذی‌نفعان از جمله نماینده تشکل‌های زیست‌محیطی، نمایندگان دستگاه‌های اجرایی و نمایندگان کشاورزان باید تصمیم‌گیری صورت بگیرد که هنوز تصمیمی در این خصوص و پس از افزایش ذخیره سد زاینده‌رود، اتخاذ نشده است. او با اشاره به اینکه مشکلات کنونی به بی‌تدبیری در ده‌های گذشته و پیشی‌گرفتن مصارف حوضه زاینده‌رود بر منابع آن برمی‌گردد، تأکید می‌کند که این بی‌تدبیری تنها حاصل عملکرد وزارت نیرو نبوده و در زمینه‌های مختلف از شیوه توسعه کشاورزی و صنعت تا استقرار جمعیت شاهد بی‌تدبیری‌ها از سوی نهادهای ذی‌ربط بوده‌یم. انشاری با یادآوری اینکه موضوعات مهم در برنامه‌ریزی در ارتباط با حقایق محیط زیست در استان اصفهان، فرونشت زمین و حقایق تالاب بین‌المللی گاوخونی هستند، می‌گوید: در ارتباط با نحوه تأمین و تخصیص حقایق

## اقتصاد



در دو استان چهارمحال‌وختیاری و اصفهان وجود ندارد و رهاسازی برای کشاورزی پایین‌دست نیز نداریم، خروجی سد چیزی حدود ۱۱ تا ۱۳ مترمکعب بر ثانیه است که زاینده‌رود برای مصارف شرب و صنعت اصفهان و یزد تا چم‌آسمان واقع در غرب اصفهان، همواره جریان دائم دارد اما از آنجا که سال گذشته خشک‌سالی نسبتاً شدیدی در حوضه زاینده‌رود داشتیم، هر میزان بارشی که اتفاق می‌افتد در ابتدا صرف تغذیه سفره‌های زیرزمینی و چشمه‌ها و قنوت‌ و چاه‌ها در بالادست و پس از آن وارد مخزن سد زاینده‌رود می‌شود. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که به محض آنکه بارندگی اتفاق افتاد، همان حجم آب به ذخیره سد در همان لحظه اضافه شود.

او معتقد است بیش از هزارو ۲۰۰ بند و سد در بالادست حوضه زاینده‌رود در دو استان اصفهان و چهارمحال‌وختیاری نیز از عوامل کاهش رواناب‌ها و کاهش ورودی به سد زاینده‌رود هستند. به گفته این فعال محیط زیست این بندها قرار بوده تنها نقش رسوب‌گیری را داشته باشند؛ ولی عملاً نقش ذخیره آب را ایفا می‌کنند که یا صرف توسعه‌کشاورزی در بالادست می‌شوند یا پشت همان بند، تبخیر و از دسترس خارج می‌شوند. کرباسچی ادامه می‌دهد: سؤالی که مطرح می‌شود، این است که چرا وقتی درباره این شیوه آبخیزداری و حبس آب در بالادست، از سوی کارشناسان هشدار داده می‌شود، باز هم در بودجه ۱۴۰۱ برای آن اعتبار در نظر گرفته می‌شود؟

این فعال محیط زیست با بیان اینکه وزارت نیرو طبق قانون مکلف است حقایق محیط زیست را بر صنعت و کشاورزی اولویت و پس از کسر حقایق محیط زیست، مابقی آب را به دیگر بخش‌ها اختصاص دهد، می‌افزاید: ولی آنچه در عمل اتفاق افتاده، این است که زمانی آب به محیط زیست می‌رسد که همه بخش‌ها برداشت خویش را به‌طورکامل انجام داده باشند و عملاً امکان برداشت آب بیشتری وجود نداشته باشد. برای مثال در سال ۹۸-۹۷ که بارش‌های استثنائی در حوضه زاینده‌رود اتفاق افتاد و یک‌ونیم برابر یک سال نرمال بارش داشتیم و هزارو ۹۵۰ میلیون مترمکعب آب وارد سد زاینده‌رود شد، این حجم آب نیز نتوانست ذخیره مخزن هزارو ۴۵۰ میلیون مترمکعبی سد زاینده‌رود را بیش از نیمه، پر کند و زاینده‌رود، حتی با بارش‌های استثنائی آن سال نیز در فواصل رهاسازی آب برای کشاورزی، خشکانده شد و درصد ناچیزی از حقایق تالاب بین‌المللی گاوخونی تأمین شد.

کرباسچی یکی از دلایل عدم اولویت‌بخشی به حقایق قانونی محیط زیست را بارگذاری‌های بیش از حد وزارت نیرو در بخش‌های شرب و صنعت و کشاورزی می‌داند. او می‌گوید: در کشور ما به دلیل بهره‌وری پایین آب در



بخش کشاورزی، مصرف آب این بخش بسیار بالاست و اگر در بخش کشاورزی بتوانیم ۲۰ درصد کاهش مصرف آب را اعمال کنیم، حقایق محیط زیست آزاد می‌شود. او با اشاره به جبران کسری منابع آب موجود در حوضه زاینده‌رود از حقایق محیط زیست و منابع آب زیرزمینی، از سوی وزارت نیرو، نتیجه این عملکرد را به‌منجر به تخلیه آبخوان‌ها و فاجعه بدون بازگشت فرونشت‌ست زمین در اصفهان معرفی می‌کند که حیات شهر اصفهان با ۵/۲ میلیون نفر جمعیت را با تهدید مواجه کرده و شهر را در معرض تخلیه قرار داده است. به گفته او وزارت نیرو طبق قانون مجاز به واگذاری حقایق محیط زیست به دیگر بخش‌ها نیست و موظف است تخصیص‌های اضافه بر زاینده‌رود را لغو و به بهره‌برداران خسارت پرداخت کند.

این‌فعال محیط زیست با تأکید بر اینکه چاره‌اندیشی‌هایی نظیر توسعه اشتغال جایگزین نباید منجر به بارگذاری جدید بر منابع آب شود، به تجربه غرب اصفهان اشاره می‌کند که با وجود ایجاد صنایع بزرگ در آن، نه‌تنها اثر مثبتی برای کشاورزان منطقه حاصل نشده؛ بلکه بر اثر افزایش مصرف آب و ایجاد آلایندهی و افزایش جمعیت مهاجر، عملاً بحران‌ها در آن تشدید شده است. او با بیان اینکه مردم اصفهان به دلیل افزایش آگاهی‌شان از عوامل خشکی زاینده‌رود و بحران‌های ناشی از خشکاندن زاینده‌رود و گاوخونی و نگرانی درباره آینده این سرزمین، به میدان آمدند و سعی کردند با حضور خویش در کنار کشاورزان، مطالبات خویش را به گوش مسئولان برسانند؛ کوشش‌زد کنند که مسئله زاینده‌رود محدود به یک قشر و صف خاصی نیست، اضافه می‌کند: اما آنچه اتفاق افتاد، توافق دولت با مسئولان صنف کشاورزی اصفهان بود که نه‌تنها جوابی برای مطالبات مردم اصفهان نداشت بلکه حتی مشکل کشاورزان را حل نکرد. شاید مسئولان بر این باورند که توافق با تعداد محدودی از صنف، راحت‌تر و سریع‌تر اتفاق می‌افتد. در عموماً هم در راستای سیاست‌های دولت غافل از اینکه با پاک‌کردن و انکار صورت مسئله، روزبه‌روز مسئله بزرگ‌تر و بحران‌ها شدیدتر می‌شود و چاره‌ای جز روبرویی با واقعیات و اجرای قانون و تصمیم‌گیری براساس منافع عموم مردم نداریم. اکنون باید دید که در میانه اصرار وزارت نیرو بر به‌رسمیت‌شناختن حقایق‌های زیست‌محیطی و انکار راستی این ان‌عا از سوی فعالان محیط زیست فرجام تالاب بین‌المللی و در آستانه مرگ گاوخونی و دیگر تالاب‌های کشور چه خواهد شد. آیا اراده‌ای برای تحولی اساسی در اجرای قانون شکل خواهد گرفت یا غبار فراموشی بیکر تالاب‌ها و گردوغبار تالاب‌های خشکیده بیکر ایران را خواهد پوشاند؟

### یادداشت

**حقوق بیمه‌شدگان را پاس بداریم**

## جبران کسری بودجه با حذف معیشت اولاد شاغلان؟

● **غلامحسین دوانسی:**\* مدتی است که هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با صدور آرای خاص در همدلی با جامعه کار و تولید برآمده‌اند. ازجمله این آرا را می‌توان دادنامه‌های چندساله اخیر برشمرد. به‌عنوان مقدمه باید یادآور شد عموماً در دوران حوادث خاص نظیر جنگ و تحریم، دولت‌ها که گرفتار نقدینگی و کمبود منابع مالی هستند، به‌جای چاپ پول و افزایش حقوق کارگران به‌صورت نقدی، مواردی را به‌عنوان کمک هزینه و جبران معیشت از دست‌رفته کارکنان عموماً به‌طور غیرنقدی تأمین می‌کنند تا از این طریق علاوه بر حمایت از سب زندگی کارگران، از ورود نقدینگی به بازار نیز جلوگیری کنند. درواقع چون دولت‌ها بیش از همه می‌دانند سیاست‌های آنان چه مصائبی را برپای جامعه کار و تولید به وجود آورده، ناچارند به طریقی این مصائب را پوشش دهند تا سطح رفاهیتی افزایش نیابد. بنابراین این بخش از حقوق و مزایا عملاً جنبه پاراننه دارد و در درآمدهای کشور (بخوانید مالیات) تأمین می‌شود و در نتیجه بر مالیات نمی‌توان مالیات ستانست؟! ظاهراً پیشینه پاراننه‌ای به نام حق اولاد به تبصره «۴۳» قانون بودجه سال ۱۳۶۶ بامزی‌گردد که اشعار داشته بود: «اجازه داده می‌شود از اول سال ۱۳۶۶:

الف- به مستخدمین شاغل مرد که همسر دائم دارند و همسر آنان از وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و بانک‌ها و شهرداری‌ها و مؤسساتی که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام است و نهادهای انقلاب اسلامی و بنیاد مستضعفان و سایر مؤسسات وابسته به دولت که به نحوی از بودجه عمومی یک‌مک دولت استفاده می‌کنند، حقوق دستمزد، اجرت و با حقوق بازنشستگی یا وظیفه به مستمری دریافت نمی‌نمایند، ماهیانه معادل مبلغ هشت هزار ریال به یکی از طرق زیر حسب درخواست کتبی مستخدم که باید از آخر فروردین‌ماه هر سال اعلام نماید به‌عنوان کمک‌هزینه عائله‌مندی پرداخت می‌شود. این کمک مشمول پرداخت مالیات و کسور بازنشستگی نخواهد بود». شرکت ملی نفت ایران در نامه شماره ح ۲۹۱۲ مورخ ۱۶ آبان سال ۷۱ از وزارت امور اقتصادی و دارایی درخواست کرده بود این معافیت به کمک‌هزینه عائله‌مندی کارگران مشمول مواد ۸۶ و ۸۷ قانون تأمین اجتماعی تعمیم و تسری یابد. شورای عالی مالیاتی‌که منصوب دولت و عموماً هم در راستای سیاست‌های دولت عمل کرده، در پاسخ به مطالبه شرکت ملی نفت با صدور رای شماره ۳۰-۳۰۴۴-۳۰ مورخ ۲۴ تیرماه ۱۳۷۱ تصریح کرد کمک‌هزینه عائله‌مندی و اولاد مقرر در ماده «۹» قانون نظام مهاگنک پرداخت کارکنان دولت به‌عنوان درآمد مشمول مالیات حقوق نیست اما چووهی که تحت همین عنوان به موجب مواد ۸۶ و ۸۷ قانون تأمین اجتماعی به مشمولین قانون کار پرداخت می‌شود، به استناد رای مورخ ششم اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۲ از معافیت مالیاتی برخوردار نبوده و مشمول پرداخت مالیات حقوق خواهد بود!ا جالب آنکه دیوان در موارد قبلی مزایای رفاهی و انگیزشی هم که به‌صراحت رای به معافیت مالیاتی از مالیات دانسته بود، متن صریح قانونی وجود نداشت که اگر وجود داشت، تعارضی به وجود نمی‌آمد که موضوع به دیوان عدالت اداری منعکس شود. مضافاً دادنامه مورخ ۱۶ فروردین ۱۴۰۰ صراحت دارد که «موارد معاف از مالیات بر درآمد حقوق منحصر به مهدکودک، پاراننه غذا و بن کالا نیست و کلیه مزایای مربوط به شاغل را در بر می‌گیرد». بر همین اساس، نگارنده اعتقاد دارد نظر به اینکه به موجب مواد ۸۶ و ۸۷ قانون تأمین اجتماعی عائله‌مندی در محصوره مهدکودک قرار دارد، بنابراین نمی‌تواند آن یکی «کمک‌هزینه مهدکودک» معاف و این یکی «حقی عائله‌مندی و اولاد» که بنیاد وجودی حق مهدکودک است، مشمول مالیات باشد. درواقع در این رای که گویا هنوز هم در خود دیوان عدالت مورد مناقشه قرار دارد، مشابه شمولیت مالیات بر حقوق و مزایای کارکنان مناطق آزاد، به جامعه کار و تولید کشور حفا داده است؛ چراکه مجوز فعالیت حقوق‌بگیران شاغل در مناطق آزاد تجاری- صنعتی همان قرارداد استخدامی آنان است و قرار نیست مجوز فعالیت برای همه اشخاص حقیقی و حقوقی یکسان باشد و به موجب اصل «رحان محتوا بر شکل» دادنامه دیوان عدالت اداری در باب شمولیت مالیات بر درآمد حقوق‌بگیران مناطق آزاد تجاری هم خالی از اشکال نیست. نگارنده بنا بر سوابق کاری و پیشینه حرفه‌ای خود، از مشوقان استقرار نظام مالیاتی مبتنی بر عدالت مالیاتی و برخورد قاطع یا فراریان مالیاتی بوده که حجم بدهی برخی از آنها به اندازه کل مالیات حق عائله‌مندی کارکنان شاغل در کشور است. بنابراین به‌عنوان یک مودی و بیمه‌شده انتظار دارم قضات محترم دیوان عدالت اداری فارغ از مناسبات دولتی، در دفاع از حقوق شهروندی و مالیاتی مدارا نکنند. دولت باید کسری بودجه خود را از طریق هزینه‌های نامتعارف و قطع بودجه مؤسسات آویزان دولت و ملت جبران کند و دست بر معیشت اولاد شاغلان نبرد.

●**عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، کارشناس ارشد مالیاتی**

آمارهایی از معاملات ارزهای دیجیتال در گزارش سال نویتکس

# ایرانیان کجای بازار رمزارزها ایستاده‌اند؟

گزارش سال صرافی ارز دیجیتال نویتکس که بیش از ۷۰ درصد سهم بازار رمزارزها در ایران را در اختیار دارد، منتشر شد. این گزارش، اطلاعات و آماری درباره میزان تمایل کاربران نویتکس به انواع ارزهای دیجیتال، تعداد معاملات آنها، میزان دارایی کاربران رمزارزی با توجه به سن و جنسیت آنها، تعداد سرمایه‌گذاران استان‌ها و مختلف ...

را به نمایش می‌گذارد و می‌توان با استفاده از این آمار، نمایی کلی از اندازه بازار رمزارزها در ایران و ویژگی‌های کاربران این بازار را ترسیم کرد. گزارش سال صرافی نویتکس نشان می‌دهد علاقه ایرانی‌ها به سرمایه‌گذاری روی دوج‌کوین، بیت‌کوین، کاردانو و اتریوم بیشتر از سایر ارزهای دیجیتال است؛ به‌طوری‌که دوج‌کوین ۱۷ درصد از سهم دارایی رمزارزی کاربران این صرافی را به خود اختصاص داده است. بعد از آن بیت‌کوین و اتریوم با یک با حدود ۱۴ درصد، کاردانو با ۱۱ درصد، شیبا ۱۰ درصد و تتر با ۷ درصد، بیشترین سهم دارایی کاربران نویتکس را به خود اختصاص داده‌اند.

در سال ۲۰۲۱، ۱۵۴ میلیون و ۴۴۴ هزار و ۷۱۸ سفارش منجر به معامله در نویتکس ثبت شده است. در این مدت تعداد ۱۳ میلیون و ۵۷۵ هزار و ۶۵۳ واریز ریالی، چهار میلیون ۵۶۸ هزار و ۹۴۰ واریز رمزارزی و ۱۳ میلیون و ۱۷۴ هزار و ۲۹۸ برداشت رمزارز و ریال انجام شده است. تعداد سفارشات ثبت‌شده در نویتکس در سال ۲۰۲۱، با رشد ۱۹۰۰ درصدی مواجه بوده است که حکایت از افزایش ناگهانی توجه ایرانیان به بازار رمزارزها دارد. در سال گذشته میلادی، به‌طور میانگین روزانه ۳۹۲ هزار معامله موفق در بازارهای



درصد ۶۱ تا ۷۰ و کمی بیشتر از صفر درصد ۷۱ تا ۸۰ ساله هستند.

این در حالی است که شاخص دارایی کاربران، ۷۱ تا ۸۰ ساله سه برابر میانگین کل کاربران است.

دلیل این موضوع این است که کاربران در این سن، کمتر دارایی خود را به کیف پول‌های شخصی انتقال می‌دهند و عموماً دارایی‌شان را در کیف پول صرافی نگهداری می‌کنند.

از نظر میانگین سنی نیز این گزارش نشان می‌دهد که میانگین سنی کاربران نویتکس، ۳۴٫۸ سال است. این آمار به تفکیک جنسیتی حاکی از

آن است که میانگین سنی مردان، ۳۴٫۶ و میانگین سنی زنان ۳۵٫۹ سال است. جالب است بدانید که ۱۷ درصد سید دارایی مردان دوج‌کوین، ۱۴ درصد بیت‌کوین و ۱۳ درصد اتریوم است، اما در سید دارایی زنان، ۱۸ درصد اتریوم، ۱۷ درصد بیت‌کوین و ۱۵ درصد دوج‌کوین قرار دارد که نشان می‌دهد زنان، کمتر ریسک می‌م‌ک‌ون‌هایی مثل دوج را می‌پذیرند.

**بیت‌کوین و اتریوم محبوب بزرگ‌ترها، دوج‌کوین جذاب برای جوان‌ترها**

براساس گزارش سال نویتکس می‌توان نتیجه گرفت، سرمایه‌گذاران ایرانی

هرچه سن بیشتری داشته باشند، کمتر سراغ ارزهای دیجیتال پرریسک مثل میم‌کوین‌ها می‌روند. در گروه‌های سنی پایین‌تر، دوج‌کوین بیشترین سهم از

سید دارایی رمزارزی کاربران نویتکس را در اختیار دارد، اما در سنین بالاتر، بیت‌کوین و اتریوم بیشترین سهم از سید دارایی رمزارزی را به خود اختصاص داده‌اند؛ به‌طوری‌که در بین ۱۸ تا ۲۴ ساله‌ها، ۱۷ درصد دارایی به دوج‌کوین اختصاص یافته و ۱۳ درصد به بیت‌کوین اما در میان ۷۱ تا ۸۰ ساله‌ها، ۲۶ درصد سید دارایی کاربران، بیت‌کوین و ۶ درصد دوج‌کوین است.

<sup>[1]</sup> آمارهایی از معاملات ارزهای دیجیتال در گزارش سال نویتکس

<sup>[2]</sup> گزارش سال صرافی ارز دیجیتال نویتکس که بیش از ۷۰ درصد سهم بازار رمزارزها در ایران را در اختیار دارد، منتشر شد